

سجادیه صحیفه

به انضمام رساله حقوق امام سجاده (ع)

ناشر: ارمغان قرآن
ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای
مقدمه آراء: حسین نرگسی
تألیف: ابوالفضل رنجبران
لیتوگراف: صیام
تصحیح کننده: صادق طالبی
ناظر چاپ: محمد استقامت
نوبت چاپ: ۳۹۲
چاپخانه: کورن
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۴۰۰ تومان

سرشناسه: علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، ۲۸-۹۴ ق. عنوان قرار دادی: صحیفه سجادیه. فارسی - عربی.
عنوان و نام پدید آور: صحیفه سجادیه / امام زین العابدین علیه السلام؛ به انضمام رساله حقوق امام سجاده علیه السلام؛
ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

مشخصات نشر: قم: ارمغان قرآن، ۱۳۹۲. مشخصات ظاهری: ۴۲۴ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲-۴۰۰-۵۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فنیاً یاداشته عنوان دیگر: رساله الحقوق امام سجاده علیه السلام. موضوع: دعاها
موضوع: احادیث اخلاقی - قرن ۱ ق. موضوع: اخلاق اجتماعی - احادیث. موضوع: تمهیدات (حقوق) - احادیث
شناسه افزون: الهی قمشه‌ای، مهدی ۱۳۵۲-۱۳۸۰. مترجم. رده بندی کنگره: ۳۰۴/۱/ع/۲۶۷/۱ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

فهرست مطالب

۸	 مقدمه
۱۸	 روایات صحیفه سجاده
۴۱	 دعای اول: در حمد و ستایش خدای عز و جل
۵۰	 دعای دوم: درود و تحیت بر پیغمبر اکرم ﷺ
۵۴	 دعای سوم: در ستایش و تمجید فرشتگان
۶۱	 دعای چهارم: درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر ﷺ
۶۷	 دعای پنجم: دعا برای خود و اهل ولایتشان
۷۲	 دعای ششم: به وقت صبح و شام به درگاه خدا
۸۰	 دعای هفتم: هنگامی که بر آن حضرت امر مهمی یا حادثه ناگواری وارد می شد و هنگام رنج این دعا را برای حل مشکلات می خواند
۸۳	 دعای هشتم: در پناه بردن به خدا از سختی ها و اخلاق و کردار زشت
۸۶	 دعای نهم: درخواست مغفرت و آمرزش از خدای متعال
۸۹	 دعای دهم: در پناه بردن به سوی خدای متعال
۹۲	 دعای یازدهم: در طلب حسن عاقبت
۹۵	 دعای دوازدهم: در اعتراف به گناهان و طلب توبه از خدای متعال
۱۰۲	 دعای سیزدهم: در طلب حاجت ها از درگاه خدای متعال
۱۰۸	 دعای چهاردهم: ستم کشیدن از سوی ظالمان
۱۱۳	 دعای پانزدهم: در هنگام غم و اندوه با مصیبت و رنج
۱۱۶	 دعای شانزدهم: درخواست گذشت از خطاها یا تضرع و زاری در طلب عفو
۱۲۷	 دعای هفدهم: پناه بردن به خدا از شر شیطان
۱۳۲	 دعای هجدهم: برای شکرگزاری
۱۳۴	 دعای نوزدهم: در طلب باران
۱۳۷	 دعای بیستم: در مکارم اخلاق و اعمال پسندیده

- دعای بیست و یکم: هنگام اندوه و نگرانی از گناه ۱۵۲
- دعای بیست و دوم: دعا به هنگام رنج و سختی ۱۵۹
- دعای بیست و سوم: دعای آن حضرت در طلب عافیت و شکر آن ۱۶۶
- دعای بیست و چهارم: برای پدر و مادرش که درود خدا بر آنها باد ۱۷۱
- دعای بیست و پنجم: دعای آن حضرت برای خیر و سعادت فرزنداناش ۱۷۸
- دعای بیست و ششم: دربارهٔ همسایگان و دوستانش ۱۸۴
- دعای بیست و هفتم: دعای آن حضرت برای مرزداران ۱۸۷
- دعای بیست و هشتم: به وقت پناه بردن به خدای عزوجل ۱۹۸
- دعای بیست و نهم: هنگامی که رزق و روزی بر آن حضرت تنگ می‌گردید ۲۰۱
- دعای سی‌ام: در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام ۲۰۳
- دعای سی و یکم: در ذکر توبه در خواست توفیق آن از پروردگار ۲۰۶
- دعای سی و دوم: دعا پس از نماز شب ۲۱۸
- دعای سی و سوم: هنگام استخاره یعنی طلب خیر از خدای متعال ۲۳۰
- دعای سی و چهارم: هنگام مشاهدهٔ رسوایی گناهکاران ۲۳۲
- دعای سی و پنجم: در مقام رضا و خشنودی ۲۳۴
- دعای سی و ششم: به هنگام ابر و رعد و برق ۲۳۶
- دعای سی و هفتم: در اظهار عجز از ادای شکر و سپاس ایزد متعال ۲۳۹
- دعای سی و هشتم: به هنگام کوتاهی و تقصیر از ادای حقوق بندگان خدا ۲۴۵
- دعای سی و نهم: در خواست عفو و رحمت الهی ۲۴۷
- دعای چهلم: هنگام شنیدن خبر مرگ و یاد مرگ ۲۵۳
- دعای چهل و یکم: به هنگام درخواست خطابوشی از خداوند ۲۵۶
- دعای چهل و دوم: به هنگام ختم قرآن ۲۵۸
- دعای چهل و سوم: دعا در وقت رؤیت هلال ۲۷۰
- دعای چهل و چهارم: هنگام دخول ماه مبارک رمضان ۲۷۳

- دعای چهل و پنجم: هنگام وداع ماه رمضان ۲۸۳
- دعای چهل و ششم: در اعیاد فطر و روز جمعه ۳۰۲
- دعای چهل و هفتم: دعای روز عرفه ۳۰۹
- دعای چهل و هشتم: دعای عید قربان و روز جمعه ۳۴۵
- دعای چهل و نهم: جهت دفع کید و مکر دشمنان ۳۵۷
- دعای پنجاهم: در ترس از خدا ۳۶۴
- دعای پنجاه و یکم: در هنگام خضوع و زاری به درگاه خداوند ۳۶۸
- دعای پنجاه و دوم: الحاح و اسرار و التماس به درگاه خدا ۳۷۴
- دعای پنجاه و سوم: به هنگام خضوع و خشوع در برابر خداوند ۳۷۹
- دعای پنجاه و چهارم: در روزه نم و اندوه ۳۸۲
- رسالة حقوق امام سجّاد علیه السلام ۳۸۹

مقدمه

نام امام سجاده علیه السلام چهارمین امام شیعیان، تداعی کننده مناجات و راز و نیاز و دعا است. آن امام، مجالی برای فعالیت‌های علنی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیافت و عمر شریف خود را در محراب عبادت و نیایش سپری ساخت. عبادت و دعایش، «سیر الی الحق» نبود که «سیر الی الخلق» را به دنبال نداشته باشد. بلکه عبادت و محراب او و رویی به خالق و سویی به سوی خلق داشت.

او با «حبل» دعا مردم را با خدایشان مرتبط می‌ساخت و این «حبل» از چنان استحکام و عمقی برخوردار است که پس از گذشت قرن‌ها، طراوت، اتقان و ژرفای خود را از دست نداده است.

نوشته حاضر، بحثی کوتاه درباره «صحیفه سجادیه» آن حضرت است. نمی‌توان گفت همه دعاها و نیایش‌های امام علیه السلام به دست ما رسیده است؛ بلکه دعا‌های منسوب به آن حضرت قطره‌ای از دریای ربانیتش‌های او است. دلیل این سخن مستدرکات بسیار «صحیفه کامله سجادیه» است.

به هر صورت، به قول شهید سید محمد باقر صدیق رحمته الله علیه، «صحیفه سجادیه را باید به عنوان بزرگترین عمل اجتماعی زمان و موقعیت امام علیه السلام معرفی کرد. این کتاب یگانه میراث فرهنگ الهی، یک منبع بزرگ مکتبی، یک مشعل هدایت ربانی و یک مدرسه اخلاق و تربیت اسلامی است که با گذشت روزگاران پایدار می‌ماند. انسانیت پیوسته به آن نیازمند است و هر چه گمراهی‌های شیطان و فریبندگی دنیا فزونتر گردد، نیاز به آن بیشتر می‌شود.

حکومت بنی‌امیه، به طور کامل امام را در عزلت سیاسی قرار داده بود، به نحوی که در تمام مدت عمر شریفش فقط یک بار از روی ناچاری از پیشنهاد کارساز امام علیه السلام استقبال کردند و آن موقعی بود که:

«عبدالملک خلیفه اموی با پادشاه روم درگیری پیدا کرد، و پادشاه روم... او را تهدید

کرد که نقدینه‌های آنان را برای تحقیر مسلمانان از کشور روم وارد کند و در مقابل

آن، هر قراردادی که خواست با آن‌ها ببندد. در اینجا عبدالملک متحیر و بیچاره شد... لذا مسلمانان را دعوت به گردهمایی کرد و با آن‌ها به مشورت پرداخت. هیچ کدام نظری که بتواند آن را به کار ببندد، اظهار نکردند. در آنجا مردم به او گفتند: تو خود می‌دانی راه فرار از این مشکل به دست چه شخصی است. فریاد برداشت: وای بر شما چه کسی این کار از او ساخته است؟ گفتند: بازمانده اهل بیت پیامبر ﷺ. گفت: راست گفتید. او برای رفع این مشکل به امام زین العابدین ﷺ پناهنده شد. امام ﷺ فرزند خود، محمد بن علی الباقری ﷺ را به شام گسیل داشت و تعلیمات لازم را به او داد. در آنجا امام باقری ﷺ طرحی نو، برای تنظیم پول مسلمانان ارائه داد و کشور اسلامی را از موقعیت استعماری نجات داد.

این قضیه نشان می‌دهد که اگر موقعیت اجتماعی و سیاسی برای امام فراهم بود، تنها به دعا و مناجات نمی‌پرداخت و ارکان دانش و معرفت و تدبیر الهی خود، امت اسلامی را بهره‌مند می‌ساخت. اما کسانی که حُکام مستبد بنی‌امیه این موقعیت را از امام سلب کردند و امت اسلامی را از خودشان و جودش محروم ساختند.

صحیفه سجادیه چه کتابی است؟

از صحیفه سجادیه، که سند آن به امام زین العابدین ﷺ منتهی می‌شود، به «اُخت القرآن» و «انجیل اهل البیت ﷺ» و «زبور آل محمد ﷺ» و «صحیفه کامله» تعبیر شده است. علامه ابن شهر آشوب، در کتاب «معالم العلماء» در ذیل ترجمه «متوکل ابن عمیر»، با عنوان «زبور آل محمد ﷺ» و در ذیل ترجمه «یحیی ابن محمد الحسینی الدلفی»، با عنوان «انجیل اهل بیت» از آن یاد کرده است.

ششمین تصنیفی که در اسلام صورت گرفته، صحیفه سجادیه است؛ زیرا چنین نقل گردیده است: «الصحيح ان اول من صنف امير المؤمنين ثم سلمان ثم ابوذر ثم الاصبع بن نباتة ثم عبيد الله بن ابي رافع ثم صنف الصحيفة الكاملة». بدین سبب، علمای مسلمان اهتمام بسیار به این کتاب داشته، شرح‌های زیادی بر آن نوشته‌اند. یکی از نویسندگان در کتاب خود تعداد ۶۸ شرح صحیفه را معرفی کرده است.

شیخ آقابزرگ نیز در کتاب «الذریعه» (ج ۱۳، ص ۳۴۵ به بعد) شرح های صحیفه سجادیه را معرفی کرده است.

به هر حال صحیفه سجادیه ای که اکنون در دسترس ماست، پنجاه و چهار دعا دارد که دعای اولش «فی التحمید لله عزوجل» و دعای آخرش «دعاوه فی استکشاف الهموم» است. متوکل بن هارون گفته است:

«امام صادق علیه السلام هفتاد و پنج دعا به من املا فرمود. یازده باب آن از دستم رفت و شصت و چند باب آن را حفظ کردم...».

سید محسن امین رحمته الله می گوید:

صحیفه کامله ۶۱ دعا دارد که درباره انواع خیر و عبادت و طلب سعادت است و کیفیت توجه به پروردگار و طلب حوائج از او و چگونگی عمل کردن به قول خداوند «ادعونی استجب لکم» را می آموزد.

سند صحیفه سجادیه

صحیفه ای که اکنون در دست ما است سندش به «بهاء الشرف» می رسد، وی در سال ۵۱۶ هجری، در ماه ربیع الاول این دعاها را به سندی که در اول صحیفه نقل شده، دریافت کرده است؛ البته صحیفه سال ها قبل از «بهاء الشرف» معروف بود. چنانکه نجاشی در ذیل ترجمه «متوکل بن عمیر بن المتوکل» نوشته است:

«روی عن یحیی بن زید دعاء الصحیفه اخبرنا الحسین بن عبیدالله عن ابن اخی طاهر عن محمد بن مطهر عن ابیه عن عمیر بن المتوکل عن ابیه متوکل عن یحیی بن زید بالدعاء.»

بی تردید نجاشی قبل از «بهاء الشرف» می زیست و در سال ۴۵۰ ه. وفات یافت.

همچنین علامه مجلسی رحمته الله از نسخه ای از صحیفه یاد می کند که به سال ۳۳۳ ق.

مربوط است:

«قد وجدت فی نسخه قدیمه من الصحیفه الکامله ... و کان تاریخ کتابتها سنه

ثلاث و ثلاثین و ثلاثمائه...»

شایان ذکر است که صحیفه سجاده به بررسی سندی نیاز ندارد، چون بسیاری از علما ادعای تواتر آن را کرده‌اند. از مطالعه اجازاتی که برای نقل صحیفه سجاده به ثبت رسیده است، چنان برمی‌آید که این کتاب به بررسی سندی نیاز ندارد و متواتر است.

علامه مجلسی می‌نویسد ...:

«و یرتقی الاسانید المذكوره هنالی سته و خمسين الف اسنادا و مانه استاد.»

یکی از شارحان صحیفه نیز چنین نوشته است:

«و لما كانت نسبة الصحیفه الشریفه الی صاحبها علیه السلام ثابتة بالاستفاضه الی کادت

تبلیغ مد التواتر ...»

ناگفته نماند که اگر به سندی که در مقدمه صحیفه ذکر شده اکتفا کنیم، از شرایط حجیت و اتقان برخوردار نیست؛ زیرا:

اولاً: از سید نجم‌الدین بهاء‌الشریف که در اول سند آمده است، در کتاب‌های رجالی ذکرى به میان نیامده است. همچنین از «عکبری» و «عبدالله بن عمر بن الخطاب» نیز در کتاب‌های رجالی یاد نشده است.

ثانیاً: اگرچه در کتب رجالی از ابوالفضل یاد شده است؛ اما بیشتر او را تضعیف کرده‌اند. نجاشی در مورد وی می‌گوید:

«کان سافر فی طلب الحدیث عمره و کان فی اول امره ثباتاً ثم خلط و رایت جل

اصحابنا یغمزونه و یضعفونه.»

ثالثاً: در رجال نجاشی آمده: «متوکل بن عمیر بن متوکل» صحیفه را از «بحیی بن زید» نقل کرده، در حالی که در مقدمه صحیفه می‌خوانیم: عمیر از پدرش «متوکل» نقل کرده است. و این متوکل توثیق نشده است.

رابعاً: اختیار شیخ سعید ابو عبدالله ... در سال پانصد و شانزده بوده است و عبدالله بن عمر، که در سند آمده، صحیفه را در سال دویست و شصت و پنج (۲۶۵) نقل کرده است. تنها سه راوی (ابومنصور عکبری و ابوالفضل و شریف ابو عبدالله) واسطه این

دو نفر شمرده می شوند. بعید به نظر می رسد که در فاصله زمانی بین شیخ سعید و عبدالله بن عمر (دویست و پنجاه و یک سال) فقط سه راوی واسطه قرار گیرند مگر اینکه گفته شود این سه راوی یکدیگر را ملاقات کرده باشند و

گوینده «حدثنا» در اول سند صحیفه چه کسی است؟

چنانکه مرحوم الهی قمشه ای در مقدمه ترجمه خود بر صحیفه آورده و همچنین در **ریاض السالکین** دیده می شود، در این مورد دو قول وجود دارد:

۱. گوینده «حدثنا» شیخ جلیل القدر «علی بن سکون» است.

وی از بزرگان علمای امامیه و مورد وثوق است. این قول منسوب به شیخ بهایی^۱ است.

۲. گوینده «حدثنا» عمید الروساء هبة الله بن حامد است که متوفای سال ۶۰۹ ق است.^۲

صاحب **ریاض السالکین** این قول را پذیرفته و نوشته است ...:

«دل علیه ما وجد بخط الشيخ الشهد^۳ علی نسخه المعارضه بنسخه ابن سکون المرقوم علیها بخط عماد الاسلام^۴ الرجاء ماصورته: قراها علی السید الاجل النقیب الاوحد العالم جلال الدین عماد الاسلام^۵ الرجاء ماصورته: قراها علی السید الاجل محمد بن الحسن بن معیه ادام الله تعالی علوه قرائه صحیفه مهذبیه. و رویتها له عن السید بهاء الشرف ابن الحسن محمد بن ...»

با همه این ها صحیفه سجادیه به بررسی سندی نیاز ندارد؛ زیرا:

۱. علمای امامیه بر استفاضه و بلکه تواتر آن اتفاق نظر دارند. چنانکه عالم بزرگوار الهی قمشه ای می گوید:

«... علمای بزرگ امامیه گویند: صدور صحیفه سجادیه از امام سجاده^۶ به روایات

مستفیضه بلکه قریب به تواتر است، هیچ شک و تردیدی در این که کلام امام است

توان کرد.»

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸.

۲. سید ابوالفضل حسینی، تلخیص الریاض، ص ۹، پاورقی.

آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله نزد زیدیه و اسماعیلیه نیز ادعای تواتر کرده است. در همین مورد، کلام علامه مجلسی و صاحب ریاض السالکین قبلاً نقل گردید.

۲. فصاحت و بلاغت صحیفه حاکی از آن است که نمی تواند کلام غیر معصوم علیه السلام باشد. چنان که «طنطاوی»، مفسر قرآن، وقتی آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله صحیفه سجاده را به عنوان هدیه برایش ارسال می کند، می گوید:

این کتاب را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق دیدم.

«قال سيدنا الاستاذ العلامة الكبرى و الايه العظمى النجفى المرعشى: كتب الى العلامة الجوهري الطنطاوي صاحب التفسير المعروف وصول الحصفه و شكر لي على هذه الهيا المنيه و اطرى في مدحها و الثناء عليها الى ان قال: و من الشقاء انا الى الان لم يبق علي هذا الاثر القيم الخالد من موارث النبوه و اهل البيت و اني كلما تأملت ارايتها فوق كلام المخلوق و دون كلام الخالق ...»

شایان یادآوری است که پس از آن طنطاوی از آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی می پرسد: آیا تاکنون کسی از علمای اسلام شرحی بر آن (صحیفه سجاده) نوشته است؟ آیت الله مرعشی می نویسد:

«شارحینی که می دانستم نام بردم و کتاب ریاض السالکین تألیف سید علیخان را به ایشان تقدیم کردم. معظم له در جواب نوشت که من بمصمم و آمادهام که بر این صحیفه گرامی شرحی بنویسم.»

همچنین سید محسن امین رحمته الله فصاحت و بلاغت و اسلوب این صحیفه را دلیلی بر صدور آن از امام معصوم علیه السلام دانسته و می نویسد:

«و بلاغه الفاظها و فصاحتها التي لا تبارى و علو مضامينها و ما فيها من انواع التذلل لله تعالى و الثناء عليه و الاساليب العجيبه في طلب عفوه و كرمه و التوسل اليه اقوى شاهد على صحة نسبتها و ان هذا الدر من ذلك البحر و هذا الجوهر من ذلك المعدن و هذا الثمر من ذلك الشجر.»

پس باید گفت صحیفه سجادیه هرگز به جرح و تعدیل روات نیازمند نیست، بلکه با توجه به انشای کلام و فصاحت و اعجاز بیان، می توان گفت که کلام حضرت امام سجاده علیه السلام است.

۳. نکته دیگری که بر صدور صحیفه دلالت می کند، سندهای متعدد و اجازه های گوناگون است. علامه مجلسی رحمه الله درباره طرق روایی صحیفه، می گوید:

«و اعلم أنها كثيرة جدا بحيث يعسر الضبط و الاحاطة و الاحصاء ...»

در صورت اجازه ای که «امیر ماجد بن امیر جمال الدین محمد الحسینی الدشتکی» به «مولی محمد شفیع» داده است، سند متصل دیگری وجود دارد که قابل توجه می نماید

«انی ارويها عن والدي السيد السند العلامة الثقة ... جمال الدين محمد بن عبد الحسين الحسيني الدشتكي عن عمه السيد معز الدين محمد بن السيد الفاضل ... نظام الدين احمد ... عن ابيه السيد نظام الدين احمد المذكور عن ابيه معز الدين ابراهيم، عن ابيه سلام الله عن ابيه عماد الدين مسعود، عن ابيه صدر الدين محمد، عن ابيه غياث الدين منصور عن ابيه صدر الدين محمد عن ابيه ابراهيم عن ابيه محمد عن ابيه اسحاق عن ابيه علي عن ابيه عريشاه عن ابيه امير انبه، عن ابيه اميري، عن ابيه الحسن، عن ابيه الحسنی، عن ابيه علي، عن ابيه زيد، عن ابيه علي، عن ابيه محمد، عن ابيه علي، عن ابيه جعفر، عن ابيه احمد، عن ابيه جعفر، عن ابيه محمد، عن ابيه زيد، عن ابيه الامام علي بن الحسين زين العابدين عليه و على آبائه التحية و السلام ...»

ظاهراً «امیر ماجد» با بیست و نه واسطه سند خود را به امام زين العابدين علیه السلام رسانده است.

همچنین علامه مجلسی اجازه های متعددی در مورد صحیفه در جلد ۱۰۷ بحار (ص ۴۳ به بعد) نقل کرده است. یک مورد از این اجازه ها که قابل توجه است، اجازه روایتی است که پدر علامه مجلسی در روایا از امام زمان علیه السلام دریافت کرده است ...:

«و بعد فيقول افقر عباد الله الغنى، محمد تقى بن مجلسى الاصفهاني عفى عنهما بالنبي و آله: انى اروي الصحيفة الكامله عن مولانا و مولى الانام سيد الساجدين على بن الحسين زين العابدين مناو له عن صاحب الزمان و خليفه الرحمان الحجه بن الحسن عليه السلام بين النوم و اليقظه و رايت كانى فى الجامع العتيق باصبهان و المهدي صلوات الله عليه قائم و سالت عنه مسائل اشكلت على فاجاب عنها، ثم سالت عنه عليه السلام كتابا اعمل عليه، فاحالنى بذلك الكتاب الى رجل صالح، فلما اخذت منه كان الصحيفة و بيركه هذه الرويا انتشرت الصحيفة فى الافاق بعد ما كان مظموس الاثر فى هذه البلاد.»

با توجه به مجموع مطالبی که گذشت، می توان اطمینان پیدا کرد که صحیفه از ناحیه امام سجاده علیه السلام صادر گردیده و تا کنون هیچ کس در این امر تشکیک نکرده است. چرا «صحیفه کامله» گفته اند؟

در این مورد، دو نظر ابراز شده است. اول آنکه مرعشی نجفی علیه السلام، در مقدمه اش بر صحیفه سجاده ترجمه بلاغی، چنین نگاشته است:

«فلسفه آنکه صحیفه را «کامله» نامیده اند، بنا بر آنچه من از سید جمال الدین کوکبانی یمنی شنیدم، آن است که نزد «زیدیه» از صحیفه، نسخه ای عدت ولی کامل نیست و در حدود نصف این صحیفه است و از این جهت این صحیفه را کامله نامیده اند.»

یکی از محققان معاصر این نظر را نپذیرفته، چنین مورد نقد قرار داده است:

«این تحلیل نه تنها کافی نیست، بلکه آن را درست نمی توان شمرد؛ چه لفظ کامله در سند صحیفه از گفته متوکل بن هارون که خود یحیی بن زید را دیده است، مشاهده می شود و می گوید: «اخبره انه من دعاء ابيه على بن الحسين من دعاء الصحيفة الكامله.» و نیز متوکل می گوید: یحیی بن زید گفت: می خواهی تو را صحیفه ای از دعای کامل بدهم؟ و مسلم است که در آن وقت صحیفه ای که امروز به نام صحیفه زیدیه مشهور است (طبق گفته کوکبانی)، وجود نداشته و بر فرض وجود، شکی نیست که متوکل از آن بی خبر بوده است تا چه رسد که از نقص آن مطلع باشد...».

سپس این محقق چنین ابراز نظر می‌کند...:

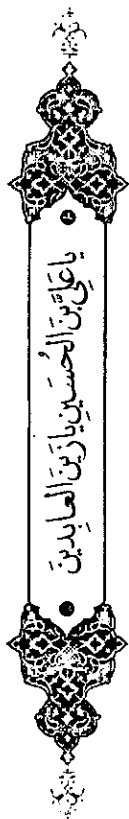
«این مجموعه را از آن جهت کامله گفته‌اند که دستوری کامل برای درخواست حاجات بنده از خدای تعالی است. در بیشتر موارد و درباره اغلب نیازمندی‌ها؛ و چون چنین دعاها از ائمه معصومین علیهم‌السلام با این ترتیب صدور نیافته، این ادعیه در مقابل دعا‌های ائمه دیگر به کامله ملقب شده است. والله العالم.»

این نظریه نیز قابل قبول نمی‌نماید؛ زیرا دعا‌هایی که از سایر ائمه علیهم‌السلام رسیده است نیز از چنین جامعیتی برخوردار است. مثلاً دعای کمیل، دعای سمات و سایر ادعیه که در کتاب‌های ادعیه مثل مصباح کفعمی، مهج الدعوات ابن طاووس، عدة الداعی ابن فهد حلی و غیره آمده است. به نظر می‌رسد قبل از تدوین جوامع روایی اولیه شیعه، همزمان با اصول «ربع‌ماه» و حتی قبل از آن‌ها، در بین شیعه صحافی از معروفیت برخوردار بوده است مانند صحیفه فاطمه زهرا علیها‌السلام، صحیفه علی علیه‌السلام که به یک عدد هم منحصر نبوده است. این صحیفه در دسترس عموم نبوده، گاه برخی از روایات و مطالب آن‌ها توسط برخی از ائمه علیهم‌السلام برای خواصی از اصحاب نقل می‌شده است. اکنون نیز جز اینکه برخی از مطالب آن‌ها در جوامع روایی آمده، اطلاعی از آن‌ها در دست نیست. اما دعا‌های صحیفه سجادیه به صورت ناملی به دست افرادی از غیر امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است. احتمالاً به این سبب این صحیفه را «کامله» خوانده‌اند.

مستدرکات صحیفه

دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام به نیایش‌های موجود در «صحیفه کامله سجادیه» منحصر نیست، بلکه به چندین برابر این دعاها می‌رسد. تاکنون مستدرکات زیادی برای صحیفه کامله نوشته شده است که از این قرار است:

۱. صحیفه سجادیه که توسط شیخ محمد بن علی الحرفوشی، که چهل سال قبل از شیخ حر عاملی وفات یافته، گردآوری شده است.
۲. الصحیفه الثانیة السجادیة، گردآوری شیخ محمد بن الحسن بن الحر العاملی.



محدث جزائری در اول شرح ملحقات صحیفه چنین نوشته است: «ان الشيخ الحر لما جمع من ادعيه السجاده عليه السلام ما يقرب من الصحيفه سماء اخت القرآن».

۳. الصحيفه السجديه الثالثه، گردآوری میرزا عبدالله افندی صاحب کتاب ریاض العلماء.

۴. الصحيفه السجديه الرابعه، جمع آوری میرزا حسین نوری. در این مجموعه، غیر از دعاهاى موجود در صحیفه‌هاى قبلى، هفتاد و هفت دعای دیگر گردآوری شده است.

۵. الصحيفه السجديه الخامسه. این مجموعه گردآوری سید محسن امین است و بیش از یکصد و هشتاد و دو دعا دارد. مؤلف درباره این اثر چنین توضیح داده است: «و استدرك فيها ما حاط عنه الصحيفه الكامله و ما فات الثانيه و الثالثه و الرابعه».

۶. الصحيفه السجديه السادسه، گردآوری شیخ محمد صالح مازندرانی. آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله در مقدمه خود بر صحیفه سجاده ترجمه بلاغی، مستدرکات دیگری نیز ذکر کرده است که جهت رعایت اختصار از نام بردن آنها خودداری می‌شود.